■ رامین فرهودی

فشارهای سیاسی جمهوری آذربایجان بر ارمنستان بعد از جنگ دوم قره‌باغ، برای ایجاد گذرگاهی با نام «زنگزور»، آنچنان شدت گرفته که دولت‌های مختلف را به واکنش در برابر ایجاد و شیوه مدیریت آن واداشته است؛ واکنش‌هایی که هر یک از آنها، نشان از نگرانی‌هایی عمیق درباره آینده ژئوپلتیک قفقاز جنوبی دارد و البته نویدهایی برای شراکت در سود حاصل از این فرصت را نیز در برمی‌گیرد. بسترهای شکل‌گیری این ایده و نیز تلاش‌های جاری برای تحقق آن در مقاله پی آمده به قلم رامین فرهودی، کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدیر اندیشکده ترند، مورد کنکاش قرار گرفته است. امید پژوهشگران موضوع و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

از تل‌آویو تا باکو
آینده پژوهی یک گذرگاه جدید

«دالان زنگزور»، از ایده‌پردازی تا تلاش برای تحقق عینی

دیدار الهام علی‌اف با بنیامین نتانیاهو

> **رئیس جمهور آذربایجان خود را ایده‌پرداز گذرگاه زنگزور معرفی می‌کند، اما حقیقت این است که این طرح از اتاق فکری صهیونی - امریکایی تغذیه می‌شود که پیش‌تر نجم‌الدین اربکان رهبر اسلامگرای ترکیه از ابعاد آن پرده برداشته بود. براساس اطلاعاتی که مرحوم اربکان در آن زمان در مجلس ملی ترکیه بیان داشت، این طرح از شمال عراق و جنوب ترکیه عبور و وارد خاک ارمنستان و آذربایجان می‌شود تا تنفس اقتصادی بلندمدتی را برای رژیم‌صهیونیستی ایجاد کند**

■ **ایده دالان زنگزور**

پس از امضای معاهده آتش‌بس میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان با مشارکت روسیه در سال ۲۰۲۰، الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان، خواسته جدیدی را که ناشی از فرصت‌های به دست آمده در جنگ ۴۴ روزه (جنگ دوم قره‌باغ) بود، بر طرف ارمنی تحمیل کرد. این خواسته شامل گذرگاهی به طول ۳۲ کیلومتر می‌شد که در امتداد نوار مرزی ایران و ارمنستان در جغرافیای استان سیونیک ایجاد و بخش اصلی جمهوری آذربایجان را به جمهوری خودمختار نخجوان ملحق می‌کرد. خواست وی در ایجاد این کریدور، عدم نظارت طرف ارمنی بر مسافران آذری و بار آنان بود. علی‌اف همچنین بر این موضوع تأکید داشته و دارد که در صورت قبول‌نشدن خواسته او جمهوری آذربایجان از هر راهی که درست تشخیص بدهد، نسبت به ایجاد این گذرگاه که در ادبیات رسانه‌ای از آن با عنوان «کریدور زنگزور» یاد می‌شود، استفاده خواهد کرد.

رئیس‌جمهور آذربایجان خود را ایده‌پرداز این گذرگاه -که نقش بزرگی در تغییرات جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه خواهد داشت- معرفی می‌کند، اما حقیقت این است که این طرح از اتاق فکر اندیشه‌ای صهیونی -امریکایی تغذیه می‌شود که پیش‌تر نجم‌الدین اربکان رهبر اسلامگرای ترکیه در دهه ۹۰ میلادی پرده از ابعاد آن برداشته بود. براساس اطلاعاتی که مرحوم اربکان در آن زمان در مجلس ملی ترکیه بیان داشته است، این طرح از شمال عراق و جنوب ترکیه عبور و وارد خاک ارمنستان و آذربایجان می‌شود تا تنفس اقتصادی بلندمدتی را برای رژیم‌صهیونیستی ایجاد کند. امروز این طرح را «کریدور داوود» می‌نامند. این کریدور با گذر از بخش غربی و شمال غربی سوریه، وارد کردستان عراق شده و در وسعتی به گستره بخش‌هایی از جنوب شرق ترکیه و شمال غرب ایران، به قفقاز جنوبی می‌پیوندد. تحولات اخیر در غرب آسیا حاکی از آن است که این کریدور در حال شکل‌گیری است و تلاش رژیم‌صهیونیستی در داخل سوریه و اصرار و حمایت ترکیه به عنوان عضوی از ناتو از جمهوری آذربایجان برای فشار بر ارمنستان جهت گشایش این مسیر، همگی در راستای همین طرح صهیونی -امریکایی است. با این همه نمی‌توان از نظر دور داشت که چالش‌هایی جدید شکل گرفته است؛ چالش‌هایی از جنس تجزیه‌طلبی و کسب منافع با تکیه بر عنصر قدرت.

■ **کشورهای متأثر از گذرگاه زنگزور و پیشران‌ها**

جمهوری آذربایجان

این کشور تلاش دارد تا با ایجاد این گذرگاه، بخش غربی خود را با جغرافیای جمهوری نخجوان مرتبط ساخته و با اتصال به جمهوری ترکیه، ضمن کوتاه‌کردن مسیر حمل‌ونقل جهانی کالا از شرق به غرب، پروژه‌های صادرات انرژی خود را برای اتصال به بازار اروپا گسترش دهد. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان در مصاحبه اخیر خود اعلام داشته است: «ما کریدور زنگزور را اجرایی خواهیم کرد، چه ارمنستان بخواهد یا نخواهد... تا بهار سال آینده کریدور زنگزور اجرا خواهد شد، هر کسی می‌خواهد مخالف باشد، اهمیتی ندارد!...»

ترکیه

این کشور در فرصت به دست آمده برای ایفای نقش محوری در قفقاز جنوبی که از زمان عثمانی مورد طمع حکام آن قرار داشت و تقابل‌های نظامی گسترده‌ای با ایران و روسیه را شامل می‌شود، اکنون در فرصت پیش آمده قصد دارد تا نقش هاب انرژی خزر، پایانه اصلی توزیع کالا به سمت اروپا و بهره‌برداری سیاسی از قدرت اقتصادی برای تأثیر بر شرکای خود در ناتو را ایفا کند. رویای احیای امپراطوری عثمانی و تشکیل توران بزرگ از دیگر عوامل پیشران این کشور در علاقه‌مندی به حمایت از این گذرگاه است.

ناتو با محوریت امریکا

ناتو می‌کوشد با قرارگرفتن در میانه کریدور شمال -جنوب (روسیه -ایران)، ضمن نظارت بر همکاری‌های دو طرف، امکان محدود یا کندکردن این رابطه را داشته و براساس خواسته‌های خود توان اعمال فشارهای لازم را بر این دو کفه قدرت منطقه داشته باشد. همچنین ناتو می‌کوشد تا امکان قدرت‌گیری کشورهای مسلمان نظیر جمهوری آذربایجان و ترکیه در قفقاز جنوبی را مدیریت و مانع از دست دادن مؤلفه‌های قدرتش در آینده منطقه به ویژه در مسئله ارمنستان و گرجستان شود. تحت فشار قرار دادن اقتصاد روسیه و ایران برای تحمیل اراده قدرت ناتو بر این دو دولت، از پیشران‌های دیگر این علاقه‌مندی برای دخالت در ایجاد گذرگاه زنگزور است.

اسرائیل

این رژیم می‌کوشد تا در ادامه برنامه هایش برای حفظ بقا در غرب آسیا که براساس پیشبرد قدرت نظامی و همکاری‌های پیرامونی تعریف شده است، ضمن تسلط بر جغرافیای تأمین‌کننده منافعش نظیر قفقاز جنوبی به عنوان منبع انرژی، اشراف اطلاعاتی و نظامی بر جمهوری اسلامی ایران را نیز حفظ و مانع از تحرک و قدرت‌گیری آن در قفقاز و آسیای مرکزی شود. عقد قراردادهای مختلف اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و تلاش برای گسترش همکاری‌ها به سمت ارتباطات اطلاعاتی و نظامی بخشی از این اقدام است. ترکیه هر از چندگاهی مشکلات سیاسی‌ای برای این رژیم ایجاد می‌کند، اما نیازمندی‌های اقتصادی این دولت به اسرائیل و ضرورت عمل در چارچوب ماموریت‌های ناتو، مانع از مشکل تراشی‌های اساسی برای آن است.

روسیه

این کشور نیز با درگیری در جنگ اکراین، فرصت‌های جدیدی برای ایجاد ارتباطات اقتصادی می‌جوید. روس‌ها در تلاش برای راه‌اندازی کریدور شمال - جنوب بودند، اما غفلت طرف ایرانی مانع از بهره‌برداری سریع طرفین از آن شد. ایران فرصت‌های اقتصادی زیادی را از دست داد و روس‌ها به دنبال راهی جدید برای خروج از این بن‌بست اقتصادی هستند. زنگزور می‌تواند با ارتباط‌دادن روسیه به ترکیه، بازارهای آن را با اروپا ارتباط دهد، اما در این بین، یک مسئله مهم وجود دارد و آن اینکه روس‌ها علاقه‌ای به دخالت ناتو در سرنوشت مسائل و قراردادهای پیرامونی خود ندارند. روسیه همچنین نگران مسائل ارمنستان است تا مبادا در میانه فشارهای سیاسی آذربایجان و ترکیه بر آن از هم بپاشد و بخشی از خاک خود را از دست بدهد!

ایران

مسئولان جمهوری اسلامی ایران، بارها بر ضرورت شرایط فعلی جغرافیای سیاسی منطقه تأکید کرده‌اند. آنها هیچ علاقه‌ای به بر هم خوردن مرزهای شناسایی و تأیید شده از سوی سازمان ملل ندارند، اما قدرت‌گیری ترکیه با شعارهای قوم‌گرایانه، نفوذ اسرائیل در منطقه به ویژه در جمهوری آذربایجان و فرصت‌طلبی روس‌ها، چالش‌های پیش‌روی این کشورند. ایرانی‌ها با انجام رزمایش‌های مختلفی در حاشیه ارس، نارضایتی خود را از برنامه‌های دیکته شده بر دولت مستقر در باکو نشان داده‌اند، اما هر بار با رزمایش متقابل پاسخ گرفته‌اند! از دست رفتن سیونیک ارمنستان برای ایرانی‌ها، مساوی با بن‌بست زمینی با اروپا و بزرگ‌ترین شریک شمالی‌شان، یعنی روسیه است. دولت ایران می‌کوشد تا با توجه به خواسته‌های همه طرفین، با مشارکت در ساخت گذرگاه زنگزور، ضمن همکاری در ساخت کریدور ارس، این امکان را به طرف آذری بدهد تا به خواسته خود مبنی بر ارتباط با بخش غربی‌اش برسد. تلاش بر این است تا شمال ارس، محل جولان نقل و انتقالات ناتو نشود، اما اگر ارمنستان خود راضی به همکاری با این بازیگران شود، تکلیف چیست؟ سؤالی که هنوز برای طرف ایرانی پاسخی در بر ندارد یا دست‌کم اعلام نشده است!

> **ترکیه برای ایفای نقش محوری در قفقاز جنوبی که از زمان عثمانی مورد طمع حکام آن قرار داشت، در فرصت پیش آمده قصد دارد تا نقش هاب انرژی خزر، پایانه اصلی توزیع کالا به سمت اروپا و بهره‌برداری سیاسی از قدرت اقتصادی برای تأثیر بر شرکای خود در ناتو را ایفا کند. رویای احیای امپراطوری عثمانی و تشکیل توران بزرگ از دیگر عوامل پیشران این کشور در علاقه‌مندی به حمایت از این گذرگاه است**

ارمنستان

ایروان در شرایط مرگ و زندگی قرار گرفته و فشارهای سیاسی از هر سو به سمت آن سرازیر شده است. کشوری که از ابتدا امنیت خود را خریداری کرده و اجرایش به دست پیمانکاران بیگانه سپرده شده، اکنون در میدان انتخاب قرار گرفته است. دولت پاشینیان می‌کوشد تا همه را از خود راضی کند، اما کلیسای ارامنه با این بازی او مخالفت می‌کند. از این رو دستگیری اسقف گالستانیان خلیفه ارشد کلیسای ارمنستان، برای کنترل اظهارات ضددولتی وی صورت گرفت. اقدامات پاشینیان نخست‌وزیر نیز برای احزاب ملی‌گرای ارمنستان خوشایند نیست و مخالفت‌های سیاسی به صورت برجسته ادامه دارد و دولت متهم به خیانت به میهن شده است. دولت ارمنستان با ارائه طرح چهارراه صلح، علاقه‌مند به بهره‌برداری اقتصادی از فرصت زنگزور است، اما در این قضیه ضمن دشمنی با روس‌ها تلاش دارد تا خود را در زیر چتر امنیتی ناتو بیمه کند. با این همه همسایه جنوبی‌اش ایران نیز به دلیل نگرانی‌های خاص خودش مخالف رفتار بی‌محابای ارمنی‌ها در ارتباط‌گیری با غرب است.

■ **آخرین وضعیت**

خبرها حاکی از توافق پنهان آذربایجان، ارمنستان و امریکا برای اجاره ۹۹ ساله این گذرگاه به طرف امریکایی است. علی‌اف در پاسخ به سؤالی درباره گزارش‌های اخیر مبنی بر پیشنهاد امریکا به ارمنستان، برای اجاره «کریدور زنگه‌زور» گفته است: «این تصمیمی است که باید مقامات ارمنستان بگیرند. ارمنستان باید دسترسی بدون مانع و امن از آذربایجان به آذربایجان را فراهم کند... با رهای آذربایجان و شهروندان آذربایجانی، نباید با چهره مرزبانان ارمنی یا هر کس دیگری روبه‌رو شوند. هیچ تماس فیزیکی نباید وجود داشته باشد و باید تدابیر امنیتی تضمین‌شده‌ای فراهم شود تا مردم و بارهای ما آزادانه عبور کنند...»

ایران و روسیه نیز در واکنش به اظهارات مقامات باکو، اقدام به برگزاری رزمایش امداد و نجات دریایی ۲۰۲۵ در خزر کرده‌اند. ترکیه نگران از برنامه اسرائیل در منطقه تلاش دارد تا در باتلاق سوریه سرش بی‌کلاه نماند. ترک‌ها به وضوح، شاهد تکه‌تکه شدن سوریه و کشتار بی‌رحمانه مردم غیرنظامی و بالا گرفتن درگیری بین گروه‌های نظامی هستند. آنها می‌کوشند تا نقشی مؤثر در سوریه ایفا کنند، اما اسرائیلی‌ها بی‌توجه به این موضوع با حمله‌ای که اهدافش نیروهای ترکیه را نیز در برگرفت، مخالفت خود با حضور ترکیه در سوریه به عنوان یک قدرت اسلامی را مطرح کرده‌اند.

■ **سناریوهای پیش‌رو**

برای درک آینده این طرح، پنج سناریو قابل پیش‌بینی است؛ سناریوی نخست، آن است که گذرگاه زنگزور با حمایت ترکیه و فشار جمهوری آذربایجان، پس از اشغال سیونیک ایجاد شود. در این صورت، واکنش جمهوری اسلامی ایران مهم است. دو طرف ترک و آذری بر این باورند که ایران هنوز درگیر مسئله جنگ اخیر خود با اسرائیل است و امکان ورود به مسئله نظامی جدیدی را ندارد! از این رو در صورت حمله نظامی آنها برای اشغال سیونیک، برخلاف وعده‌های پیشین ایران مبنی بر دخالت نظامی مستقیم، واکنشی از خود بروز نخواهد داد و تلاش‌های دیپلماتیک را در پیش خواهد گرفت تا حقوق خود از این گذرگاه را احیا و کسب کند.

سناریوی دوم، اختلاف ترکیه و اسرائیل بر سر منافع است. ترکیه در سوریه دخالت کرد تا به آرزوهای خود برسد، اما اینک با سوریه‌ای آشفته و در حال تجزیه به نفع کریدور داوود و منافع اسرائیل مواجه است که هر آن امکان تأثیر بر کردهای شمال عراق، جنوب و جنوب شرق ترکیه را دارد. هر چند پ. ک. ک سلاح خود را زمین گذاشته است، اما گروه‌های کردی دیگر در داخل و خارج، مستعد همکاری تجزیه‌طلبانه با اسرائیل هستند.

سناریوی سوم، واکنش مستقیم ایران و روسیه به افتتاح این گذرگاه با مشارکت ناتوست. حضور ناتو برای طرفین، تحمل‌ناپذیر و واکنش‌های سخت قابل پیش‌بینی است.

سناریوی چهارم، مشغول کردن جمهوری اسلامی ایران به مرزهای غربی، برای مقابله با نیروهای نیابتی اسرائیل مستقر در عراق است تا توان تمرکز بر مرزهای شمال غربی کم و گذرگاه زنگزور، با دخالت نظامی در ارمنستان گشوده شود.

سناریوی پنجم، کشورهای درگیر در مسئله کریدور داوود، با علم به اهداف صهیونیست‌ها و در اجماعی مشترک، نسبت به تکریم و تقسیم منافع یکدیگر، مانع از تحقق آن شوند که به نظر ضرورت آن بیش از سایر گزینه‌هاست.

منبع: وب‌سایت «دیپلماسی ایران»

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه

پیشخوان

نظر و گذری بر خاطرات سیاسی امیرعبدالله کرباسچیان

در حلقه نخستین یاران رهبر فدائیان اسلام

■ **سمانه صادقی**

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات زنده‌یاد امیر عبدالله کرباسچیان از اعضای اولیه جمعیت فدائیان اسلام را دربردارد. این مجموعه از سوی فاطمه نظری تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را روانه بازار کتاب کرده است. تدوینگر در دیباچه خویش بر این کتاب، در باب نشو و نمای کرباسچیان در دوران سلطنت رضاخان و پس از شهریور ۱۳۲۰، چنین آورده است: «خاطرات اشخاص و روایان یکی از منابع مهم تاریخ است که با توجه به حضور آنها در حوادث تاریخی از اهمیت و اعتبار بالایی برخوردار است. با توجه به تمرکز فعالیت‌ها و خاطرات برخی از راویان در حوزه‌ای خاص، خاطرات این افراد می‌تواند جهت ترسیم رویدادهای تاریخی در آن زمینه، حائز اهمیت و روشنگر بسیاری از وقایعی باشد که تاکنون جزئیات آن از زبان مطلعین بیان نشده است. خاطرات زنده‌یاد امیر عبدالله کرباسچیان نیز در همین راستا با توجه به فعالیت‌های ایشان در عرصه مطبوعات و آشنایی نزدیک با آیت‌الله کاشانی، شهید نواب صفوی و دیگر فعالان عرصه سیاست این دوره از تاریخ ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. کرباسچیان در سال ۱۳۰۶، در خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش محمدباقر کرباسچیان، ساکن خیابان اسماعیل بزاز تهران معروف به بازار مولوی، شغل عتیقه فروشی داشت و از افراد معتمد بازار محسوب می‌شد. وی از شش سالگی، تحصیلات خود را در مدارس اتحادیه و شرف احمدی آغاز کرد و سپس در دارالفنون به ادامه تحصیل پرداخت. در وقایع و آشوب‌های منجر به شهریور ۱۳۲۰ و خروج رضا شاه از ایران خانواده‌اش مدتی در قم ساکن شدند. جو مذهبی قم و تب و تاب مخالفت‌ها و اعتراضات پیدا و پنهان در این شهر حوزوی علیه رضا شاه بر روح و جان این جوان تأثیر شگرفی گذاشت، طوری که در اندک زمانی بعد از مراجعت به تهران و به رغم صغر سن، در سال ۱۳۲۲ به جمع یاران انجمن مبارزه با بی‌دینی شیخ مهدی شریعتمداری پیوست. سرلوحه مبارزات این انجمن، مبارزه با احمد کسروی تبریزی بود؛ کسروی از دوره رضاشاه و با دعوی مرامی به نام پاک دینی، ادعای خرافه‌زدایی از دین و سنت‌های مذهبی را داشت، اما در واقع اصل دین را خرافه می‌دانست. او برای این منظور به تبلیغات گسترده‌ای پرداخت؛ از آن جمله با انتشار نشریاتی چون پیام، پرچم، پیمان و... همچنین چاپ کتاب‌هایی نظیر شیعی‌گری و... درصدد یارگیری از افراد و رجال جامعه برآمد. چنانکه با برگزاری مراسم کتاب سوزان طی آن در یک روز خاص از سال، کتاب‌هایی از قبیل شاهنامه، دیوان حافظ، مثنوی مولوی، مفاتیح الجنان و... را در آتش می‌سوزاند، شهرتی به هم رسانده و پیروانش را با این برنامه‌ها گرد هم جمع می‌کرد...»

راوی در زمره کسانی است که مواجهه جدی با تبلیغات دین‌ستیزانه کسروی را کلید زده است. در این مقدمه، در باب این رویداد و نیز عضویت صاحب خاطرات در جمعیت فائیان اسلام خاطرنشان شده است: «کرباسچیان به همراه خانواده و بعد از آرامش نسبی وقایع سال‌های نخست سلطنت محمدرضا شاه، مجدداً به تهران برگشت و همچون صدها جوان مذهبی دیگر وارد عرصه مبارزه و فعالیت‌های مذهبی و سیاسی شد. او در گام نخست با عضویت در انجمن مبارزه با بی‌دینی، به سرعت با فضای فکری و مذهبی حاکم، به خصوص نواندیشی دینی آشنا شد؛ کما اینکه نشریه آیین اسلام با سردبیری نوگرایانی چون نصرت‌الله نوریانی، افکار و اندیشه‌های انجمن مذکور را منتشر می‌کرد. در همین دوره، وی با پیشگامان عرصه نواندیشی دینی چون عطاالله شهاب‌پور مدیر مسئول نشریه نور دانش و... آشنا شد و عرصه مطبوعات را برای مبارزه و تبلیغ علیه بی‌دینی انتخاب کرد. در این راستا بود که قلم‌زنی را در نشریات پیشه خود ساخت. وی در ابتدا با نشریه خدنگ متعلق به جمالی آشتیانی و سپس با روزنامه اصناف کریم‌آبادی همکاری کرد. در این فعالیت‌ها، وی به اتفاق یارانش در انجمن مبارزه با بی‌دینی موفق شدند تا مانع از برگزاری مراسم کتاب سوزان کسروی در سال ۱۳۲۳ شوند، تا اینکه مبارزه سازماندهی شده علیه کسروی را با عضویت در جمعیت فدائیان اسلام پی گرفت. این تشکل از سوی سیدمجتبی نواب‌صفوی (طلبه‌ای برگشته از حوزه علمیه نجف) تأسیس شد. نواب در دوره تحصیل در آن حوزه دریافت که نوشته‌ها و نظرات کسروی برای برخی از بزرگان حوزه دغدغه‌انگیز شده است. صفوی برخی کتاب‌های او را تهیه و بعد از مطالعه به چند تن از علمای حوزه داد، به طوری که موفق شد، فتوای قتل کسروی را از آیات عظام حسین قمی و عبدالحسین امینی اخذ کند و برای انجام این فریضه عازم ایران شد. عزیمت وی به تهران و آشنایی کرباسچیان را با نواب، جرقه‌های درونی او شعله‌ور ساخت. موفقیت نواب در ترور کسروی و انتشار نخستین اعلامیه جمعیت با عنوان دین و انتقام، عزم کرباسچیان برای همکاری بیشتر با این جمعیت را جزم کرد. البته این عضویت، مانع از رویکردهای دیگر و توجه به سایر مبارزین وقت از سوی کرباسچیان نشد. چنانکه ارادت ویژه به آیت‌الله کاشانی و همراهی با وی در خلال مبارزات نیمه دوم دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰، حائز اهمیت خاص می‌باشد؛ کما اینکه بعدها نیز این رویکرد در جدایی وی از فدائیان اسلام بی‌تأثیر نبود، به هر حال این همکاری به حدی زیاد بود که بخش عمده‌ای از خاطرات کرباسچیان را ارتباطات و همراهی‌های وی با آیت‌الله کاشانی تشکیل می‌دهد. در خلال این یادمانده‌ها وی سوابق آیت‌الله، زندانی شدن او، برنامه‌های مبارزاتی برای حمایت از فلسطین به خصوص تظاهرات روز ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۷ در اعلام پشتیبانی از مبارزات فلسطینیان را به تفصیل ذکر و سخنرانی آیت‌الله کاشانی در پایان آن تجمع و قرائت اعلامیه شدیداللحن را در مسجد امام یادآوری کرده است. هر چند ترور عبدالحسین هژیر از سوی فدائیان اسلام، مورد استقبال بسیاری از جریانات سیاسی و معارض وقت قرار گرفت، اما در واقعه بعدی یعنی ترور ناکام شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، دستگاه امنیتی درصدد انتقام از نیروهای مذهبی برآمد و آیت‌الله کاشانی را تبعید و فدائیان را مورد تعقیب قرار داد، به طوری که شهید نواب صفوی مجبور به فرار به نجف شد و اعضای فدائیان همچون کرباسچیان نیز ناچار شدند زندگی مخفی در پیش گیرند. در این زمان که فعالیت سیاسی به علت سلطه امنیتی مقدور نبود، کرباسچیان فرصت را غنیمت شمرد و به فعالیت‌های فرهنگی روی آورد. نگارش مقالات و همکاری با برخی از نشریات همچون روزنامه اصناف کریم‌آبادی، محصول این دوره از فعالیت‌های وی می‌باشد...»

بهمن ۱۳۳۱. از راست: حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی لواسانی، شهید سیدمجتبی نواب صفوی، امیر عبدالله کرباسچیان و شهید استاد خلیل طهماسبی

عضویت کرباسچیان در جمعیت فدائیان اسلام به نوعی انشعاب و جدایی ختم شد. این امر در پیش درآمد خاطرات وی به ترتیب پی آمده بازتاب یافته است: «در خلال همین چالش‌ها بود که میان خود فدائیان نیز دودستگی ایجاد شد. کرباسچیان که از پیش ارادتی دیرینه به آیت‌الله کاشانی داشت، خود از پیش‌قراولان این انشعابات بود، به طوری که برخی از اختلاف سلایق او منجر به جدایی وی و تعدادی از اعضا همچون مهدی عراقی از این جمعیت شد. در همین راستا و با انشعاب از جمعیت فدائیان، غالباً نام و آوازه کرباسچیان در منابع تاریخی دهه مذکور مطرح شده است. بررسی و بازکاوی این انشعاب می‌تواند محور اصلی طرح مسئله خاطرات کرباسچیان باشد، زیرا در پی انشعاب این گروه، موضع‌گیری‌ها و افشاگری‌های افراد علیه یکدیگر گسترش یافت و مدت‌ها جریانات و گروه‌های مختلف، در صدد دامن زدن به این اختلافات برآمدند. اوج این فاجعه، اعلام برائت برخی از اعضای فدائیان از طریق درج آگهی در روزنامه‌ها بود، به طوری که گاهی صدای خشونت و حتی ترور افراد منشعب در این هیاهوی رسانه‌ای به گوش می‌رسید!...»